

الأسد والخروف في رؤيا يوحنا .. من هو ؟

پرسش و پاسخ

شیر و برّه در رؤیای یوحنا... کیست؟

س ۸/ يُفسّر السيد أحمد الحسن في بعض كتبه الأربعة والعشرين شيخاً في رؤيا يوحنا ب (الأئمة الاثني عشر والمهدين الاثني عشر ﷺ) الوارد ذكرهم في وصية رسول الله محمد ﷺ. والسؤال الذي يُطرح: إنّ الأربعة والعشرين شيخاً قاموا بمخاطبة الخروف المصلوب الذي يتوسّطهم، فمن يكون يا تُرى ؟

پرسش ۱: سيد احمد الحسن در برخی از کتاب‌هایش، بیست و چهار پیر در رؤیای یوحنا را به «دوازده امام و دوازده مهدی ﷺ» که در وصیت رسول خدا حضرت محمد ﷺ ذکر شده‌اند، تفسیر فرموده‌اند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود: این بیست و چهار پیر، برّه‌ی به صلیب کشیده شده‌ای که در میان خودشان است را خطاب قرار می‌دهند؛ این برّه کیست؟

الجواب: رؤيا يوحنا

پاسخ: رؤیای یوحنا

في الأصحاح الرابع:

«1.... وللوقت صرت في الروح وإذا عرش موضوع في السماء وعلى العرش جالس. 3 وكان الجالس في المنظر شبه حجر اليشب والعقيق وقوس قزح حول العرش في المنظر شبه الزمرد. 4 وحول العرش أربعة وعشرون عرشاً. ورأيت على العروش أربعة

وعشرين شيخاً جالساً متسربلين بثياب بيض وعلى رؤوسهم
أكاليل من ذهب. 5 ومن العرش يخرج بروق ورعود وأصوات...».

در اصحاب چهارم:

«... ۲ في الفور در روح شدم، و به ناگاه تختی در آسمان بود و بر آن تخت
نشیننده‌ای. ۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و
رنگین کمانی گرداگرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد ۴ و گرداگرد
تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تخت‌ها بیست و چهار پیر که
جامه‌های سفید در بردارند، نشسته دیدم در حالی که بر سر ایشان تاج‌های
زرین ۵ و از تخت، برق‌ها، رعد‌ها و صداها بر می‌آید...».

وفي الأصحاب الخامس:

«1 ورأيت على يمين الجالس على العرش سفراً مكتوباً من
داخل ومن وراء مختوماً بسبعة ختوم. 2 ورأيت ملاكاً قوياً ينادي
بصوت عظيم من هو مستحق أن يفتح السفر ويفك ختومه. 3 فلم
يستطع أحد في السماء ولا على الأرض ولا تحت الأرض أن يفتح
السفر ولا أن ينظر إليه. 4 فصرت أنا أبكي كثيراً لأنه لم يوجد
أحد مستحقاً أن يفتح السفر ويقرأه ولا أن ينظر إليه. 5 فقال لي
واحد من الشيوخ لا تبك. هو ذا قد غلب الأسد الذي من سبط
يهوذا أصل داود ليفتح السفر ويفك ختومه السبعة 6 ورأيت فإذا
في وسط العرش والحيوانات الأربعة وفي وسط الشيوخ خروف
قائم كأنه مذبح له سبعة قرون وسبع أعين هي سبعة أرواح الله
المرسلة إلى كل الأرض. 7 فأتى وأخذ السفر من يمين الجالس
على العرش. 8 ولما أخذ السفر خرت الأربعة الحيوانات والأربعة
والعشرون شيخاً أمام الخروف ولهم كل واحد قيثارات وجامات من
ذهب مملوءة بخورا هي صلوات القديسين. 9 وهم يترنمون ترنيمة
جديدة قائلين مستحق أنت أن تأخذ السفر وتفتح ختومه لأنك
ذبحت واشتريتنا لله بدمك من كل قبيلة ولسان وشعب وأمة 10
وجعلتنا لإلهنا ملوكاً وكهنة فسنملك على الأرض. 11 ونظرت

وسمعت صوت ملائكة كثيرين حول العرش والحيوانات والشيوخ
وكان عددهم ربوات ربوات وألوف ألوف 12 قائلين بصوت عظيم
مستحق هو الخروف المذبوح أن يأخذ القدرة والغنى والحكمة
والقوة والكرامة والمجد والبركة. 13 وكل خليفة مما في السماء
وعلى الأرض وتحت الأرض وما على البحر كل ما فيها سمعتها
قائلة. للجالس على العرش وللخروف البركة والكرامة والمجد
والسلطان إلى أبد الأبدین. 14 وكانت الحيوانات الأربعة تقول
آمین. والشيوخ الأربعة والعشرون خروا وسجدوا للحي إلى أبد
الأبدین».

و در اصحاب پنجم:

« ۱ و دیدم بر دست راست تخت نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، مختوم به هفت مهر ۲ و فرشته‌ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می‌کند که کیست مستحق اینکه این کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟ ۳ و هیچ کس نه در آسمان و نه در زمین و نه در زیر زمین نتوانست آن کتاب را بگشاید یا بر آن نظر کند. ۴ من به شدت می‌گریستم؛ زیرا هیچ کس که شایسته‌ی گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد. ۵ و یکی از آن پیران به من می‌گوید، گریان مباش! اینک، آن شیری که از سبط یهودا و ریشه‌ی داوود است، غالب آمده تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید. ۶ و به ناگاه دیدم در میان تخت و آن چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌ای چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده می‌شوند. ۷ پس او آمد و کتاب را از دست راست تخت نشین گرفت. ۸ و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان، و بیست و چهار پیر به حضور بره در افتادند و هر یکی از ایشان بربطی و کاسه‌های زرین پر از بخور دارند که دعاهاى مقدسین است. ۹ و سرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند، تو مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی؛ زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیل و زبان و قوم و امت خریدی. ۱۰ و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد. ۱۱ و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرور و هزاران هزار بود؛ ۱۲ که به آواز بلند می‌گویند: مستحق است او بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت یابد. ۱۳ و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریا است، هر آنچه در آنها است، شنیدم که می‌گویند: تخت نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابد الأبدین. ۱۴ و چهار حیوان گفتند، آمین! و آن بیست

و چهار پیر برای زنده تا ابد الابدین به روی درافتادند و سجده نمودند».

وفي الأصحاح الرابع عشر:

«ثم نظرت وإذا خروف واقف على جبل صهيون ومعه مائة وأربعة وأربعون ألفاً لهم اسم أبيه مكتوباً على جباههم...» (1).

در اصحاح چهاردهم:

«و دیدم که اینک، بره، بر کوه صهیون ایستاده است و با وی، صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم دارند...» (۲).

من هذه النصوص يتبين لك أنّ الذي رُمز له مرة بأنه أسد ومرة بأنه خروف مذبح هو أحد الشيوخ الأربع والعشرين، حيث إنّ الجالس على العرش هو المهيم على الرؤيا، وواضح في الرؤيا أنه الأفضل من الجميع مقاماً وعلو شأن، والشيوخ الأربع والعشرون الجالسون على العروش هم أقرب الموجودين في الرؤيا للجالس على العرش مقاماً كما هو واضح في الرؤيا.

از این متون، برای شما روشن می‌شود کسی که یک مرتبه به صورت رمزگونه با شیر بودن به او اشاره و مرتبه‌ی دیگر به اینکه او بره‌ی ذبح شده است، یکی از بیست و چهار پیر می‌باشد؛ و آن کسی که بر تخت نشسته، همان کسی است که بر رؤیا تسلط دارد و در رؤیا روشن است که مقام این شخص از همه برتر و جایگاهش والاتر است؛ و همان‌طور که در رؤیا روشن است، این بیست و چهار پیر نشسته بر تخت‌ها، نزدیک‌ترین افراد موجود در رؤیا از جهت جایگاه نسبت به آن شخصی هستند که بر تخت نشسته است.

1. عن الرقم المذكور (144.000) الذين يختم الخروف جباههم في الرؤيا بختم أبيه، قال بعض علماء الكنيسة: (نحن أمام الكنيسة شعب الله. هي تشمل عدداً كبيراً جداً، كما تضمّ جمهوراً كبيراً من كل أمة وقبيلة وشعب ولسان (4) مفردات. هذا ما يدلّ على العالم كلّه بأقطاره الأربعة). ولما كان الرقم المذكور في الرؤيا ضئيلاً جداً وفق تفسيرهم، قالوا إنّ: (العدد هو رقم رمزي) ليس إلا وغير مقصود حقيقة. هكذا بكل برود، فالتأويل بلا دليل سهل المؤونة عندهم. انظر: دراسات في الكتاب المقدس - رؤيا القديس يوحنا لبولس الفغالي.

2- در مورد عدد ذکر شده (۱۴۴،۰۰۰) که در رؤیا بره پیشانی آنها را با مهر پدرشان مهر زده است، برخی از علمای کلیسا می‌گویند: «ما در مقابل کلیسا، مردم خداوند هستیم. این عدد، تعداد بسیار زیادی را شامل می‌شود؛ و همین‌طور عموم بسیاری از هر امت، قبیله، مردم و زبانی را در بر می‌گیرد. این دلالت بر همه‌ی جهان و چهارگوشه‌اش دارد» و از آنجایی که این عدد مذکور در رؤیا طبق تفسیر آنان بسیار اندک می‌نماید، چنین گفتند که «این عدد، عددی رمزگونه است»؛ و منظور، خود عدد نیست. اینچنین با کمال خونسردی؛ در نظر اینان تأویل بدون دلیل، چه سهل و آسان است! پژوهش‌هایی در کتاب مقدس - رؤیا قديس يوحنا، بولس فغالي.

إذن، الخروف المذبوح ليس أفضل من الجالس على العرش ولا أفضل من الأربع والعشرين، مع أننا نرى في الرؤيا أنه استحق أخذ السفر وفك الختوم، فكيف استحق أخذ السفر دونهم وهم أقرب منه وأفضل منه؟!

بنابراین بره‌ی ذبح شده از آن کسی که بر تخت نشسته، برتر نیست و از بیست و چهار پیر نیز برتر نمی‌باشد؛ با اینکه ما در رؤیا می‌بینیم که او همان کسی است که این شایستگی را دارد که کتاب را بگیرد و مهرها را بگشاید. پس چطور فقط او این شایستگی را دارد که کتاب را بگیرد و نه دیگران؛ در حالی که آنان از او نزدیک‌تر و برتر می‌باشند؟!

إذن، لابد أن يكون الخروف المذبوح هو رمز لأحد الشيوخ الأربع والعشرين.

در نتیجه باید بره‌ی ذبح شده، به طور رمزگونه اشاره به یکی از بیست و چهار پیر داشته باشد.

أما أنهم خرّوا له وكلموه الخ، فهم خرّوا بمعنى أنهم هياّوا ومهدّوا له ومؤمنين بالنتيجة وهي تطبيق حاكمية الله في أرضه.

اما اینکه آنان برای او (به سجده) در افتادند و با او سخن گفتند و.... سایر موارد؛ اینکه آنان (به سجده) در افتادند، به معنای این است که آنان برای او آماده‌سازی و مقدمه‌چینی کردند و به نتیجه و فرجام یعنی پیاده شدن حاکمیت خداوند در زمینش، ایمان داشتند.

أما قولك: (إنّ هناك إشكالاً في كون أحد الشيوخ الأربع والعشرين هو نفسه من رمز له بالخروف وبالأسد فكيف يخاطب نفسه)، وهذا في الحقيقة لا يكاد يكون إشكالاً؛ لأننا نتكلم في رؤيا فلا إشكال أن يخاطب أحد الشيوخ الأربع والعشرون جهة منه رمز لها بالخروف وجهة أخرى رمز لها بالأسد .. الخ، ولو كان هذا الإشكال يصح لصح نقض الرؤيا؛ لأنها رمزت لمن غلب

واستحق فتح السفر بالأسد ثم بيئت أن من أخذ السفر هو
الخروف المذبوح:

«هو ذا قد غلب الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود ليفتح
السفر ويفك ختومه السبعة 6 ورأيت فإذا في وسط العرش
والحيوانات الأربعة وفي وسط الشيوخ خروف قائم كأنه مذبوح له
سبعة قرون وسبع أعين هي سبعة أرواح الله المرسله إلى كل
الأرض. 7 فأتى وأخذ السفر من يمين الجالس على العرش».

اما اين سخن شما: «در اينكه يكي از بيست و چهار پير، همان كسى است
كه رمزگونه بره و شير توصيف شده است، اشكالى وجود دارد؛ پس چگونه
خودش را مورد خطاب قرار مى دهد؟» اين درحقيقت اشكالى محسوب
نمى شود؛ به اين دليل كه ما درباره ي رؤيا سخن مى گوئيم. اشكالى ندارد كه
يكي از آن پيرهاى بيست و چهارگانه كه از يك سو به رمز به بره و از سوى
ديگر به شير توصيف شده است، مورد خطاب قرار گيرد... تا انتها؛ كه اگر اين
اشكال صحيح مى بود، قطعاً نقض رؤيا صحيح مى شد؛ چرا كه كسى كه غالب
شد و شايستگى بازگشايى كتاب را پيدا كرد، به شير توصيف شده است، سپس
بيان شده است كسى كه كتاب را گرفته است، همان بره ي ذبح شده مى باشد:
«اينك، آن شيرى كه از سبط يهودا و ريشه ي داوود است، غالب آمده تا
كتاب و هفت مهرش را بگشايد. ۶ و به ناگاه ديدم در ميان تخت و آن چهار
حيوان و در وسط پيران، بره اى چون ذبح شده ايستاده است و هفت شاخ و
هفت چشم دارد كه هفت روح خدايند كه به تمامى جهان فرستاده مى شوند. ۷
پس آمد و كتاب را از دست راست تخت نشين گرفت».

إذن، الخروف المذبوح والأسد رموز لمن غلب واستحق أخذ
السفر وفك ختومه وهو أحد الشيوخ الأربع والعشرين، ففي مقام
الغلبة الذي يحتاج للقوة والشجاعة والإخلاص رمز له بالأسد، وفي
مقام أخذ الختم الذي يحتاج إلى التضحية رمز له بخروف قائم

كأنه مذبح، وكلا الجهتين تخص نفس الشخص (3)، ولا منافاة بينهما حيث إن قوة الروح نتيجة للتضحية والإخلاص والصبر على المظلومية.

بنابراین برهی ذبح شده و شیر برای اشاره به کسی است که چیره شد و شایستگی این را داشت که کتاب را بگیرد و مهرهایش را بگشاید؛ و او یکی از بیست و چهار پیر می‌باشد. در جایگاه کسی که نیازمند نیرو، شجاعت و اخلاص می‌باشد، با رمز شیر به او اشاره و در جایگاه گرفتن مهرهایی که نیازمند به قربانی شدن می‌باشد، به رمز با برهی ایستاده - که گویی ذبح شده - به او اشاره شده است. هر دو شخصیت، به یک شخص اختصاص دارد (4) و منافاتی بین این دو نمی‌باشد؛ از این جهت که نیرومند بودن روح در نتیجه‌ی قربانی شدن، اخلاص و صبر بر مظلومیت و ستم‌دیدگی است.

أما تفسيرهم الخروف المذبح في الرؤيا بأنه عيسى ع، فيبطله
أنَّ الجالس على العرش عندهم هو الله تعالى عن هذا علواً كبيراً
(5).

اما اینکه آنها برهی ذبح شده در رؤیا را عیسی ع تفسیر می‌کنند، این نکته که

3. کون رموز الرؤيا المختلفة تشير إلى نفس الشخص من وجوه مختلفة أمر يعتقد به أيضاً العلماء المسيحيون، وكمثال أنقل نصين، أحدهما: للقس انطونيوس فكري، يقول: (.. هو أسد في قوته وملكه علينا وعلى كل الخليفة، ولكنه خروف في تقديمه نفسه ذبيحة على الصليب وحمله لخطايانا ..) شرح الكتاب المقدس - العهد الجديد - تفسير سفر الرؤيا 5. والآخر: للدكتور وليم ماكدونالد، يقول: (في سفر الرؤيا يمثل ربنا كخروف وكأسد معاً. فمن جهة كونه حمل الله فهو الحمل الذبيح الرافع خطايا العالم. وكالأسد، فهو القاضي المعاقب لأعدائه. إنه عند مجيئه الأول كان هو الحمل (الخروف)، وعند مجيئه الثاني سيكون الأسد) معهد عمواس للكتاب المقدس. ويقول الاسقف بولس الفغالي: (.. انتظرنا أسداً فإذا نحن أمام حمل. لماذا سمي يسوع "حمل"؟ هناك ثلاثة أسباب ..) دراسات في الكتاب المقدس - رؤيا القديس يوحنا.

4- اینکه رمزهای مختلف رؤیا به یک شخص و از ابعاد مختلفی اشاره دارد، مسأله‌ای است که علمای مسیحی نیز به آن اعتقاد دارند. به عنوان نمونه، دو متن را نقل می‌کنم. یکی از این دو برای آنتونیوس فکری است؛ آنجا که می‌گوید: «... او در نیرومندی و فرمان‌روایی‌اش بر ما و همه‌ی مخلوقات چون شیر است؛ ولی در مقدم کردن خودش به عنوان قربانی برای به صلیب رفتن و بر دوش کشیدن گناهان ما، بره می‌باشد...». شرح کتاب مقدس - عهد جدید - تفسیر سفر رؤیا. دیگری از آن دکتر وليم مکدونالد است که می‌گوید: «در سفر رؤیا، پروردگار ما هم مانند بره و هم مانند شیر، توصیف می‌شود. از این جهت که او بر دوش کشنده‌ی خداوند است، او همان بر دوش کشنده‌ی ذبح شده‌ای می‌باشد که خطاهای جهان را از بین می‌برد؛ و در جایگاه شیر، او قاضی است که دشمنانش را کیفر می‌دهد. او هنگام نخستین آمدن، بر دوش کشنده (بره) است و در دومین آمدنش، شیر خواهد بود» (بنیان عمواس کتاب مقدس). اسقف بولس فغالی می‌گوید: «... ما چشم انتظار شیر هستیم. در نتیجه ما در مقابل بره قرار داریم. چرا عیسی بره نامیده شده است؟ در اینجا سه دلیل وجود دارد...» (پژوهش‌هایی در کتاب مقدس - رؤیا قديس يوحنا).

5. يقول د. وليم ماكدونالد عن الجالس على العرش أيضاً: (يُرَى اللهُ مَمْسُكاً سَفَرًا لَهُ سَبْعَةُ خَتَمٍ تَحْفَظُهُ) معهد عمواس للكتاب المقدس. ومثله قول الاسقف بولس الفغالي عن العرش: (وإذا بعرش منصوب في السماء" (1 2 ب). تشرف على كل هذا الفصل لفظة "عرش". ترد 14 مرة، منها مرتين في صيغة الجمع حيث نرى عروشاً (الاثنا عشر) أخرى تحيط بالعرش الأول، عرش الله) دراسات في الكتاب المقدس - رؤيا القديس يوحنا.

نشیننده‌ی بر تخت از دید آنها همان خداوند متعال است، این موضوع را باطل می‌کند؛ خداوند متعال بسیار بلند مرتبه‌تر از اینها است!^(۶)

ولا يخفى ما في تفسيرهم هذا من حدِّ الله سبحانه ونقض ألوهيته المطلقة، وللتفصيل أكثر يمكنك قراءة كتاب التوحيد (7).

و پوشیده نیست که آنچه در این خصوص در تفسیر آنان آمده، از محدودیت‌های خداوند سبحان و نقض الوهیت مطلق او می‌باشد. برای جزئیات بیشتر می‌توانید کتاب توحید را مطالعه نمایید.^(۸)

أما عندنا، فالجالس على العرش هو محمد ﷺ، وحوله أربع وعشرون شيخاً على عروش أيضاً، وهم خلفاء الله في أرضه (الأئمة والمهديون) الذين نكرمهم رسول الله ﷺ في وصيته المقدسة (9).

اما از نظر ما، کسی که بر روی تخت نشسته، محمد ﷺ است و بیست و چهار پیر نیز گرداگرد ایشان نشسته‌اند، که اینان، خلفا و جانشینان خداوند در زمینش می‌باشند (امامان و مهدیین)؛ کسانی که رسول خدا ﷺ آنها را در وصیت مقدس خود نام برده است.^(۱۰)

۶- دکتر ولیم مکدونالد نیز در مورد کسی که بر تخت نشسته است، می‌گوید: «خداوند دیده شده است که کتابی که هفت مهر از آن محافظت می‌نماید، در دست دارد» (بنیان عمواس کتاب مقدس) و همانند این، سخن اسقف پولس فعالی در مورد تخت می‌باشد: «تختی در آسمان نصب شده است (آ ۲ ب). در تمام این فصل، لفظ «تخت» آمده است. ۱۴ مرتبه آمده است؛ از این ۱۴ مرتبه دو مرتبه به صورت جمع که می‌بینیم تخت‌هایی دیگر (دوازده تخت) بر تخت اول احاطه دارد؛ یعنی تخت خداوند» (پژوهش‌هایی در کتاب مقدس - رؤیا قدیس یوحنا).

7. کتاب التوحيد للسيد أحمد الحسن، بين فيه العقيدة الحقة باللاهوت وناقش فيه العقائد الباطلة التي يدين بها الكثير من أهل الأرض اليوم سواء كانوا مسلمين أو مسيحيين أو غيرهم.

۸- در کتاب توحید، سید احمدالحسن عقیده‌ی درست و صحیح به لاهوت را بیان کرده است و در آن، عقاید باطلی را که بسیاری از مردم زمین امروزه به آن اعتقاد دارند، مورد بحث قرار می‌دهد؛ می‌خواهند مسلمان باشند، مسیحی یا دیگران.

9. تقدم ذكر الوصية المقدسة التي نصت على الأئمة الاثني عشر والمهديين الاثني عشر.

۱۰- متن وصیت مقدس که بر امامان دوازده‌گانه و مهدیین دوازده‌گانه تصریح می‌نماید، پیش‌تر ارایه گردید.